

نقش بینش عرفانی و آموزه‌های قرآنی در جبران خسارات و بحران‌ها: مطالعه تطبیقی تمدن اسلامی و جهانی

زهرا شاه مردی^۱

محسن جلالی شهری^۲

محسن ولایتی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی جبران خسارات ناشی از آسیب‌های زیرساختی مانند شبکه برق در تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها می‌پردازد. هدف آن فهم اصول معنوی و اخلاقی نهفته در فرآیند جبران خسارت‌ها در تمدن‌های مختلف است و پیشنهاد راهکارهایی بر اساس آموزه‌های قرآنی و عرفانی برای بهبود این فرآیند در دنیای معاصر دارد. تحقیق به روش کیفی انجام شده و داده‌ها از منابع فقهی، حقوقی و تاریخی با نگاهی عرفانی و معنوی گردآوری شده‌اند. در تمدن اسلامی، جبران خسارات نه تنها بر اساس قوانین حقوقی بلکه بر اصول اخلاقی قرآن و سلوک عرفانی استوار است. این اصول، از جمله عدالت، انصاف و مسئولیت اجتماعی، به ویژه در حوزه جبران خسارت‌ها، علاوه بر حقوق مادی، به ابعاد معنوی و روحانی نیز توجه دارند. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی تأکید بیشتری بر بُعد معنوی و احسان نسبت به سایر تمدن‌ها دارد. یکی از یافته‌های مهم تحقیق، نقش بنیادین دولت اسلامی در جبران خسارات ناشی از آسیب‌های زیرساختی است که از آموزه‌های قرآنی و عرفانی سرچشمه می‌گیرد. دولت اسلامی با الهام از اصل «ولایت» و مفاهیم عرفانی همچون محبت و خدمت به خلق، مسئولیت عمیق و معنوی در این زمینه دارد. در سایر تمدن‌ها، هرچند دولت‌ها مسئول جبران خسارت‌های زیرساختی هستند، اما رویکرد عمیق و الهی کمتر به چشم می‌آید. این تحقیق نشان می‌دهد که مبانی قرآنی و عرفانی تمدن اسلامی در جبران خسارات، به ویژه در زمینه آسیب‌های زیرساختی، چارچوب جامع و الهی ارائه می‌دهد که می‌تواند الگویی برای دیگر تمدن‌ها باشد و در بهبود فرآیند جبران خسارت‌ها در جهان امروز مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی

تمدن اسلامی، جبران خسارت، سایر تمدن‌ها.

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
Email: zahra.shahmardi1403@gmail.com

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
Email: dr_smj@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
Email: m.velayati52@yahoo.com

طرح مسأله

شبکه برق به عنوان یکی از زیرساخت‌های حیاتی، نقش اساسی در تأمین انرژی و رفاه جوامع دارد. از دیدگاه قرآنی و عرفانی اسلامی، تمامی نعمت‌ها، از جمله برق، امانت خداوند هستند و بشر موظف است از آن‌ها به‌طور صحیح استفاده کند (معصومه رحمانی، ۱۳۹۴). در صورت بروز نقص و خرابی در شبکه برق، علاوه بر خسارات مادی، پیامدهای معنوی نیز به وجود می‌آید که نیاز به جبران خسارت را ضروری می‌سازد. جبران خسارت در اسلام باید بر پایه عدالت، احسان و رعایت حقوق الهی و انسانی باشد (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ ه.ق.).

در تمدن‌های مختلف، روش‌های گوناگونی برای جبران خسارات وجود داشته است که به فرهنگ و قوانین هر جامعه بستگی داشت. اما در تمدن اسلامی، علاوه بر رعایت قوانین دنیوی، جبران خسارت بر اساس اصول اخلاقی و فقهی الهی انجام می‌شود که در آن به عدالت و رحمت الهی تأکید می‌شود. بررسی تطبیقی این روش‌ها از منظر بینش اسلامی می‌تواند راهکارهایی برای رسیدگی به خسارات شبکه برق ارائه دهد. قرآن کریم بر لزوم رعایت انصاف و جبران ضرر تأکید دارد، اما در عرفان اسلامی، این مفهوم عمیق‌تر شده و جبران خسارت به عنوان بخشی از مسیر تکامل روحی و اجتماعی بشر در نظر گرفته می‌شود (عزتی، ۱۴۰۳).

در تمدن اسلامی، جبران خسارت نه تنها بر اساس قوانین دنیوی، بلکه با نگرش معنوی و توجه به ارتباط انسان با خداوند صورت می‌گیرد. این رویکرد عرفانی باعث می‌شود که جوامع اسلامی مسئولیت بیشتری در قبال افراد و خسارات وارد شده احساس کنند و به جبران خسارت با نیت‌های الهی و خیرخواهانه بپردازند. این تحقیق بر مبانی قرآنی و عرفانی تأکید دارد و نشان می‌دهد که تمدن اسلامی می‌تواند الگویی جامع و عادلانه برای جبران خسارات ناشی از شبکه برق ارائه دهد که هم جنبه‌های مادی و هم معنوی را در بر بگیرد (عادل زاده، غفوری، ۱۴۰۲).

نتیجه این رویکرد این است که تمدن اسلامی، با سابقه غنی خود در زمینه حقوق و فقه،

می‌تواند نه تنها الگویی برای جبران خسارت مادی، بلکه برای کاهش پیامدهای معنوی و روحی خسارت‌ها ارائه دهد. این دیدگاه، راهکاری الهی و جامع برای بهبود زندگی انسان‌ها در دنیای مدرن است.

پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی تحقیق در حوزه‌ی جبران خسارت در تمدن‌ها و نظام‌های مختلف حقوقی و فقهی نشان می‌دهد که مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است. با این حال، اکثر این پژوهش‌ها بر جنبه‌های حقوقی و قانونی متمرکز بوده و کمتر به ابعاد معنوی و الهی مسئله توجه کرده‌اند. از دیدگاه قرآن و عرفان اسلامی، جبران خسارت نباید تنها در بُعد مادی بررسی شود، بلکه باید به‌طور جامع‌تری شامل ابعاد معنوی و اخلاقی نیز باشد. در آموزه‌های اسلامی، هر ضرر و زبانی در نهایت به مسئولیت انسان در برابر خداوند و عدالت الهی مربوط است (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲؛ امیران‌بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳؛ حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰).

قرآن کریم به‌طور مکرر بر عدالت در روابط اجتماعی تأکید کرده است. یکی از اصول کلیدی در فقه اسلامی، قاعده "لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ" است که بر لزوم جبران خسارت به شیوه‌ای منصفانه و مطابق با عدالت الهی دلالت دارد. علاوه بر این، عرفان اسلامی بر اهمیت تأثیر نیت‌ها و اعمال انسان‌ها در ابعاد معنوی تأکید دارد و جبران خسارت را نه تنها از منظر مادی، بلکه از دیدگاه معنوی و اخلاقی نیز ضروری می‌داند. از این رو، هر خسارت باید در چارچوب محبت و عدالت الهی جبران شود (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲؛ امیران‌بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳).

این تحقیق در پی پر کردن خلأ موجود در تحقیقات پیشین است که عمدتاً بر جبران خسارت‌های مادی تأکید دارند و به ابعاد معنوی آن توجه نکرده‌اند. جبران خسارت در این پژوهش، علاوه بر ابعاد حقوقی، به‌عنوان بخشی از مسئولیت انسان در برابر خداوند و حفظ امانت الهی در منابع طبیعی، از جمله انرژی برق، تحلیل می‌شود. در این رویکرد، جبران خسارت نه تنها به‌منظور رفع ضرر مادی، بلکه برای بازگرداندن تعادل معنوی و روحی به انسان‌ها نیز در نظر گرفته می‌شود.

هدف این تحقیق ارائه چارچوبی جامع و معنوی برای جبران خسارت‌هاست که علاوه بر رفع آسیب‌های مادی، به ارتقاء امنیت روانی و معنوی جامعه کمک کند. تمدن اسلامی با پیشینه غنی در فقه و حقوق می‌تواند الگویی برای مدیریت جبران خسارت‌ها در دنیای مدرن باشد؛ الگویی که بر پایه عدالت، رحمت و محبت الهی استوار است و همگان را به سمت اصلاح و بازگشت به مسیر الهی هدایت می‌کند (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲؛ امیران‌بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳؛ حاجی‌عزیزی، ۱۳۸۰).

مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف از منظر قرآنی و عرفانی

مبانی جبران خسارت در تمدن‌های گوناگون بر اساس قوانین، مقررات، ساختارهای حقوقی، رویکردهای فرهنگی و دیدگاه‌های اقتصادی هر جامعه شکل می‌گیرد. در این زمینه، بینش قرآنی و عرفانی می‌تواند به درک عمیق‌تری از این مبانی کمک کند.

جبران خسارت در تمدن‌های غربی

در تمدن‌های غربی، جبران خسارت عمدتاً بر اساس مسئولیت مدنی استوار است. این بدان معناست که هر فرد یا نهادی که به دیگری خسارت وارد کند، موظف به جبران آن خسارت است. این رویکرد به نوعی منعکس‌کننده ارزش‌های عدالت و انصاف است که در قرآن نیز به آن تأکید شده است.

منابع جبران خسارت در تمدن‌های غربی

قانون مدنی: مهم‌ترین منبع جبران خسارت در این تمدن‌ها، قانون مدنی هر کشور است که قواعد کلی مرتبط با مسئولیت مدنی، ایراد ضرر و تقصیر را مشخص می‌کند. از منظر قرآنی، این قوانین می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای تحقق عدالت و حمایت از حقوق زیان‌دیدگان تلقی شوند.

رویه قضایی: رویه قضایی دادگاه‌ها نقش اساسی در تفسیر و تکمیل قواعد قانون مدنی دارد. آراء قضایی می‌توانند به عنوان شواهدی از تلاش برای اجرای عدالت در جامعه محسوب شوند.

قرارداد: در تمدن‌های غربی، افراد و اشخاص حقوقی می‌توانند با انعقاد قرارداد، شرایط

جبران خسارت را در روابط خود تعیین کنند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند به تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر انصاف کمک کند.

جبران خسارت در تمدن‌های شرقی

در تمدن‌های شرقی، مبانی جبران خسارت بر پایه‌ای ترکیبی از عرف و عادت، قوانین مدنی و قواعد مذهبی استوار است. در اینجا، ارزش‌های سنتی و حفظ صلح اجتماعی نقش مهمی در جبران خسارت ایفا می‌کنند. این دیدگاه به اصولی نظیر محبت و رحمت در آموزه‌های اسلامی نزدیک است.

منابع جبران خسارت

آداب و رسوم: آداب و رسوم و عرف و عادت در تمدن‌های شرقی نقشی کلیدی در جبران خسارت دارند. این قواعد به نوعی تجلی بخش عدالت الهی و احترام به حقوق دیگران هستند. به عنوان مثال، در برخی تمدن‌های شرقی، فرد خاطی موظف به پرداخت دیه به فرد زیان‌دیده است، که این خود نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری و ترویج همدلی است.

قوانین مدنی: قوانین مدنی در برخی از تمدن‌های شرقی نیز تحت تأثیر آداب و رسوم و ارزش‌های مذهبی شکل می‌گیرند. این قوانین جزئیات بیشتری را در مورد نحوه جبران خسارت ارائه می‌دهند و به حفظ آرامش و توازن در جامعه کمک می‌کنند.

مذهب: قواعد مذهبی در جبران خسارت نقش بسزایی دارند. در برخی مذاهب شرقی، اصولی مانند دیه برای قتل نفس و دیگر جراحات وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت عدالت و جبران خسارت در دین و مذهب است. این اصول به تحقق عدالت اجتماعی و حفظ حرمت انسان‌ها کمک می‌کند و فرد را به تفکر در مورد تأثیر اعمالش بر دیگران ترغیب می‌کند.

مبانی فقهی و حقوقی جبران خسارت در تمدن اسلامی

در تمدن‌های اسلامی، جبران خسارت بر اساس فقه و شریعت استوار است. قوانین فقهی نحوه جبران خسارت در موارد مختلف، مانند جراحات، مرگ، و خسارات مالی را مشخص می‌کنند.

مبانی جبران خسارت در تمدن اسلامی به طور جامع‌تر ابعاد مختلفی را در مقایسه با سایر تمدن‌ها در نظر می‌گیرد. در ادامه به بررسی این ابعاد می‌پردازیم:

۱. مفهوم خسارت

خسارت در عربی مصدر و برگرفته از ریشه (خسر) به معنای نقصان، هلاکت، (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۸۲/۲) زیان، (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۴۵۶)، نقص در اعیان (مقری فیومی، بی تا، ۳۶۰)، ضد نفع، (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۴۲۹/۷؛ ابن اثیر جزری، بی تا، ۸۱/۳) است. هرچند ضرر و خسارت یک مفهوم عرفی و از امور بدیهی بوده و نیاز به تعریف ندارد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۳) اما در فارسی خسارت به معنای زیان بردن، زیان دیدن، زیانکاری (عمید، ۱۳۶۴، ص ۴۵۱) و به معنای ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و نفع ۲- آسیب و صدمه و ۳- نقصان، زیان بردن و ضرر رسانیدن است (معین، ۱۳۶۴، ۱۷۶۷/۲).

محققان اظهار داشته اند که؛ «خسارت، معنای ضرر و نقصان در مال یا عرض یا در بدن است» (خویی، ۱۴۱۹، ۴۴۹/۳؛ حلی، ۱۴۱۵، ۲۰۷). در این تعریف ضرر عنوانی است که به اموال، آبرو و بدن وارد می‌شود. برخی یگر اظهار داشته اند که؛ «ضرر از نظر عرف نقص مالی یا آبرویی یا جانی یا هر چیز دیگر است که درباره بعدی از ابعاد وجودی شخص است، به شرط آن که مقتضی قریب ان تحقق یافته باشد» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۰۷). در این تعریف ملاک تحقق ضرر را، عرف دانسته شده که مال، آبرو و جان و هر چیز دیگری را در بر می‌گیرد. در لسان فقهاء (نراقی، ۱۴۱۷، ۴۹) یکی از فقها گفته است «ضرر به معنای از دست دادن هر چیزی که واجد آن هستیم و از آن بهره مند می‌شویم مثل هر یک از مواهب و نعمتهای زندگی اعم از جان یا مال یا حیثیت یا هر چیز دیگر، می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۵/۱). هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف و شخصی لطمه ای وارد شود، گفته میشود ضرری به بار آمده است (رستمی و ناصر، ۱۳۹۷: ۵۱). با توجه به تعاریف بیان شده، این نتیجه قابل استنباط است که اکثر فقها ضرر را شامل هر گونه زیانی که به مال، آبرو، حیثیت و جان کسی وارد شود، می‌دانند.

از منظر حقوقی، قانونگذار در تعریف لفظ خسارت، ساکت است. برخی از حقوق‌دانان (آخوندی، ۱۳۸۵، ۲۷۲/۱) اظهار داشته‌اند که؛ در عرف قضایی کشور ما اصطلاح «ضرر و زیان» بدون اینکه هر یک از کلمات آن دارای آثار حقوقی ویژه‌ای باشد، متداول گردیده است و در اغلب نوشته‌های حقوقی و قضایی در متن بعضی از قوانین دیگر نیز با همین ترکیب بکار رفته و مصطلح شده است چنان که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۹، ۱۰، و ۱۴-۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شد. لذا بکارگیری این واژگان با هم صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا ضرورتی ندارد که قانون‌گذار کلمات زائد یا مترادف برگزیند و در متن قانون بکار ببرد.

با این همه در لسان حقوق‌دانان خسارت عبارت است از؛ «الف- مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ب- زیان وارد شده را هم خسار می‌گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۲۶۰). یا «هر جا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعتی مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه وارد گردد، می‌گویند ضرر به بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۴۲). طبق تعریف اول خسارت هم به اصل زیان وارد شده و هم به مالی که برای جبران این زیان بایستی به متضرر پرداخت شود، اطلاق می‌شود. اما طبق تعریف دوم خسارت، علاوه بر این که شامل نقص در اموال و لطمه به سلامت، حیثیت و عواطف شخصی است، فوت منفعت مسلم را نیز جزء خسارت به شمار آورده است که تعریفی جامع و کامل به نظر می‌رسد.

۲. مبانی بحث جبران خسارت در اسلام از دیدگاه قرآنی و عرفانی

جبران خسارت از جمله موضوعاتی است که در فقه اسلامی و مبانی حقوقی، با تأکید بر آیات قرآن و روایات به آن پرداخته شده است. از نگاه عرفانی، جبران خسارت تنها به مسائل مادی محدود نمی‌شود، بلکه جنبه‌های معنوی و اخلاقی نیز در آن مدنظر قرار می‌گیرد. در ادامه، به بررسی برخی از آیات قرآن و روایات که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌پردازیم.

۲-۱. قرآن

۲-۱-۱. آیه اکل مال به باطل

خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» و اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید...» (بقره/۱۸۸). این آیه به صراحت از تصرف ناحق در اموال دیگران نهی می‌کند. "باطل" در این آیه به معنای هر نوع تصرف ناحق و ناپایدار است که شامل غصب، ربا، رشوه و تصرفات عدوانی می‌شود. از منظر عرفانی، این آیه ناظر به ضرورت رعایت حق و عدالت در برخورد با دیگران و اموال آنهاست، و هرگونه تجاوز به حقوق دیگران، مانع کمال روحانی و اخلاقی انسان می‌شود.

۲-۱-۲. آیه اعتدی

آیه دیگری که به جبران خسارت اشاره دارد، آیه «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...» (بقره/۱۹۴) است. این آیه دستور می‌دهد که در برابر تجاوز به حقوق خود، مقابله به مثل صورت گیرد، البته به اندازه و بدون افراط. در اینجا، نوعی تعادل و انصاف در اعمال عدالت دیده می‌شود که از دیدگاه عرفانی نیز بیانگر ضرورت برقراری توازن در تعاملات انسانی است.

۲-۱-۳. آیه معاقبه

در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ...» (نحل/۱۲۶). این آیه به طور ضمنی به جبران خسارت تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که هرگونه مجازات یا جبران باید به اندازه خطای وارد شده باشد. از دیدگاه عرفانی، این آیه حاکی از لزوم رعایت عدالت الهی است و هرگونه زیاده‌روی یا تجاوز، موجب برهم خوردن نظم معنوی و اخلاقی می‌شود.

۲-۲. سنت و روایات

در سنت اسلامی نیز احادیث و روایات فراوانی در باب جبران خسارت وجود دارد. برای نمونه، امام صادق (ع) در مورد شاهی که با شهادت کذب باعث خسارت به دیگری شده است، می‌فرماید: «اگر شیء وجود داشته باشد، باید به صاحبش بازگردانده شود، و

اگر از بین رفته باشد، شاهد ضامن است.» این روایت بر لزوم جبران خسارت تأکید دارد و نشان می‌دهد که حتی در امور غیرمادی مانند شهادت دروغ نیز، مسئولیت جبران خسارت وجود دارد.

تحلیل‌های قرآنی و روایی نشان می‌دهد که در دین اسلام، مسئولیت جبران خسارت امری بدیهی و ضروری است. این مسئولیت نه تنها بر پایه قوانین فقهی استوار است، بلکه در رویکرد عرفانی نیز بر اصل حق‌گویی و عدالت تأکید دارد. از این رو، دولت‌ها و نهادها نیز باید در قبال زیان‌هایی که در حین اجرای وظایف خود به مردم وارد می‌کنند، پاسخگو باشند و به جبران آن پردازند.

۳-۲. عقل

در بررسی زندگی خردمندان، صرف‌نظر از اعتقادات دینی، این امر مسلم است که عُقلا وقتی شخصی اقدام به تلف کردن مال دیگری می‌کند، وی را مسئول دانسته و ضامن جبران خسارت می‌شناسند. به این معنا که فرد مسئول موظف به پرداخت معادل یا قیمت آن مال به مالک است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱/۱۱۲). این قاعده عقلایی به‌وضوح در عرف اجتماعی پذیرفته شده است، به گونه‌ای که اگر کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را به حالتی تبدیل کند که غیر قابل استفاده شود، حتی اگر اصل مال باقی باشد، ضامن است. برای مثال، اگر شخصی مالی را در اختیار غاصب قرار دهد یا پرنده‌ای را از قفس آزاد کند، او مسئول جبران خسارت خواهد بود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۲/۳۴۱). بنابراین از دیدگاه عقلایی نیز اگر مالی به دلیل سهل‌انگاری یا عدم دقت سازمان‌ها یا افرادی که وظیفه تأمین ملزومات آن را دارند، از جمله انرژی الکتریکی یا سوخت، خراب شود، آن سازمان مسئول جبران خسارت و پرداخت هزینه‌های ناشی از آن خواهد بود.

۴-۲. اجماع فقها

اگرچه اجماع در خصوص این مسئله به‌تنهایی مدرک مستقل و حجتی نیست، اما نمی‌توان از نظریات و اتفاق نظر فقها در مسئله ضمان ناشی از اتلاف مال غیر چشم‌پوشی کرد. هرچند برخی اختلافات جزئی در موارد خاص وجود دارد، ولی فقها در اصل قاعده

اتلاف متفق القول هستند. به تعبیر مراغی، «دلیل بر قاعده اتلاف، ضرورت و اجماع است» (مراغی، عناوین الاصول، ص ۲۹۳). موسوی بجنوردی نیز این قاعده را از اصول مورد قبول تمام فقها و حتی ضرورتی از اصول دین می‌داند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۷/۲).

۳. قواعد فقهی

از دیگر مبانی جبران خسارت، قواعد فقهی هستند. قواعد فقهی، به عنوان فرمول‌های کلی در فقه، به استخراج احکام محدودتر می‌پردازند و تنها به مورد خاصی محدود نمی‌شوند، بلکه مبنای احکام متنوع قرار می‌گیرند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۱/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱۲/۳).

۳-۱. قاعده من اتلف مال الغير فهو له ضامن

مطابق این قاعده، هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن جبران آن است. برخی از فقها، مانند بجنوردی، این قاعده را در مقام تلف مال و نه صرفاً اتلاف (ضمان) مطرح کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۹/۲). علامه حلی نیز با استناد به این قاعده، می‌گوید: «لقوله من اتلف ضمن» که از این عبارت می‌توان نتیجه گرفت که وی مضمون این قاعده را مدلول روایت می‌داند. همچنین، فقهای معاصر، مانند جوادی آملی، این قاعده را به عنوان قاعده‌ای محکم و قطعی بیان کرده‌اند: «لا اشکال فی ان اتلاف مال الغير اینما تحقق فهو موجب للضمان» (جوادی آملی، ۱۴۰۵، ۴۳۲). برخی دیگر از فقها، مانند فاضل لنکرانی، اظهار داشته‌اند که احتمالاً این قاعده برگرفته از روایات است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ۳۳۲). در نتیجه، این قاعده با توجه به صراحت و قطعی بودن آن، یکی از اصول مسلم در فقه اسلامی محسوب می‌شود.

در مقابل این دیدگاه عده‌ای دیگر از فقها اتلاف مبتنی بر قاعده را منصوص نمی‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۳۱/۹۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶، ۸۲؛ توحیدی، ۱۳۷۱/۴۴). اما همان طور که صاحب جواهر هم اشاره نموده بود، حدیث مزبور از اشتها قابل توجهی بین فقها برخوردار است و آنچنان در این زمینه کاربردی است که به قول برخی از فقهای معاصر به صورت یک قاعده در آمده است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱/۱۱۰).

فارغ از نص بودن قاعده مزبور توجه به مفهوم قاعده و کاربردی بودن آن و همچنین اشتها آن بین فقها حاکی از این است که قاعده مزبور می‌تواند مبنای احکام متعدد قرار گیرد. بنابراین در فرض ما قاعده مزبور می‌تواند در قبال اعمال زیان آور دولت مورد استناد قرار گیرد و او را مسئول قلمداد نماید؛ چرا که به موجب این قاعده هر کس اعم از حقیقی یا حقوقی مال دیگری را تلف نماید نسبت به جبران آن ضامن است. در همین راستا باید گفت قاعده مزبور مفروض در مقام تلف مال است نه اتلاف لذا طبق قاعده مزبور، در زمانهایی که اداره برق باعث تلف و از بین رفتن یک مال شود بایستی خسارت وارده را جبران کند.

۲-۳. قاعده لاضرر

از دیگر قواعدی که می‌توان به استناد آن قائل به جبران خسارت شد قاعده لاضرر است. گرچه مشهور فقهاء لاضرر را به عنوان قاعده فقهی پذیرفته‌اند اما برخی از آنها مانند شهید صدر لاضرر را قاعده نمی‌دانند. همچنین باید دانست که نسبت به مفاد قاعده لاضرر بین فقها اختلاف است. چنان که بر اساس برخی مبانی مفاد لاضرر جعل حکم شرعی نیست بلکه نفی حکم و محدود کردن وضع شرعی یا جلوگیری از وضع حکم شرعی است. لاضرر نفی حکم شرعی است و نه حکم شرعی به نفع ضرر (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷، ۷).

از دیدگاه برخی از فقها حدیث لاضرر، وجود احکامی را در شریعت که عمل بدان‌ها موجب ضرر می‌شود، نفی می‌کند «مدلول قاعده، نفی حکم شرعی است که موجب ضرر می‌شود» (انصاری، بی تا، ۲/ ۵۳۴) بنابراین در حدیث، با نفی مسبب (ضرر)، سبب ضرر (احکام ضرری) نفی شده است. از منظر برخی دیگر از فقها (انصاری، بی تا، ۵۳۲) ضرری که از جانب شارع جبران نشده باشد در اسلام وجود ندارد. پس مدلول حدیث نفی ضرری است که از نظر شارع جبران و تدارک شده باشد و از منظر حضرت امام (ره) لاضرر از احکام حکومتی به شمار می‌رود (امام خمینی، ۱۴۲۰، ۵۵).

با همه این نظرات مختلف سخن این است که قاعده لاضرر در اثبات ضمان کاربرد دارد یا خیر؟

باید دانست در این خصوص بین فقها اختلاف است به نحوی که عده ای به پیروی از شیخ انصاری قائل بر این هستند که قاعده لاضرر اثبات ضمان نمی کند چون نقش لاضرر را برداشتن حکم می داند نه اثبات حکم. از طرفدان این گروه محقق نائینی (۱۳۷۳، ۲/۲۲۱) است که معتقد است لا ضرر همیشه به صورت معارض و مخالف عمومات دیگر وارد صحنه می شود و بر آن‌ها غلبه می کند. پس باید همواره حکم ثابتی به نحو عموم وجود داشته باشد و بعضی مصادیق آن ضرری باشد تا به موجب قاعده لاضرر، شمول آن حکم عام نسبت به آن مصداق مرتفع گردد. به تعبیر ایشان لاضرر نقش بازدارندگی دارد تا سازندگی و در ادامه اظهار می دارد که چنانچه برای لاضرر قائل به نقش اثباتی در احکام باشیم ملزم به تاسیس فقه جدیدی هستیم (همان) و (خوانساری، ۱۴۰۵، ۵/۱۹۲).

در مقابل برخی (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲/۳۰۲) برای اثبات ضمان به قاعده لاضرر تمسک نموده اند و شیخ (انصاری، ۱۴۱۵، ۱۰۳) از پیشروان نظریه رافعییت در قاعده لاضرر است که در ضمان مقبوض به عقد فاسد بدان استناد نموده است^۱. این قاعده بر زیان ناظر بر کرامت و اعتبار اشخاص انطباق پیدا می کند و بدون هیچ تردیدی مواردی را که یکی از متعلقات کرامت انسانی یا اعتبار اشخاص در معرض تضییع قرار می گیرد شامل می شود (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

یکی از مهمترین تفاسیر لاضرر که قائل به جبران خسارت است تفسیر مرحوم نراقی است که ایشان استعمال «لا» در عبارت «لا ضرر و لا ضرار» در معنای اصلی و نفی دانسته و مقصود از ضرر را ضرر غیر متدارک می داند؛ بدین معنی که ضرر غیر متدارک در اسلام وجود ندارد. فلذا از آنجا که شارع مقدس ضرر غیر متدارک را جایز نمی داند در حقیقت در عالم تشریع ضرر غیر متدارک را نفی نموده و آن را به منزله معدوم به حساب آورده است (نراقی، ۱۴۱۷، ۴۷). بنابر تحلیل صورت گرفته، شارع مقدس با این حکم افراد را ملزم

۱- «اللهم آلا ان يستدلّ على الضمان فيها: بما دلّ على احترام مال المسلم و انه لا يحلّ آلا عن طيب نفسه، و ان حرمة ماله كحرمة دمه و انه لا يصلح ذهاب حق احد. مضافا: الى ادلة نفى الضرر، فكلّ عمل وقع من عامل لاحد يقع بامره، و تحصيله لغرضه، فلا بدّ من اداء عوضه لقاعدتي الاحترام و نفى الضرر». متن مزبور حاکی از این است که مستندات شیخ برای ضمان علاوه بر لاضرر قاعده احترام مال مومن نیز میباشد.

به جبران ضرر نموده است به نحوی که هر کس موجب ضرر و زیانی نسبت به غیر شود باید آن را جبران و تدارک نماید و در نظر شارع موردی نیست که کسی به دیگری ضرر برساند و ملزم به جبران آن نباشد. از مطالب فوق به نظر می‌رسد بتوان قاعده لاضرر را مستند اصل جبران خسارت به وسیله دولت به حساب آورد چنان که حقوق دانان در مباحث مسئولیت مدنی که مبتنی بر جبران خسارت است از آن به کرات استفاده نموده اند. از طرفی باتوجه به نظر برخی از فقها، لاضرر بودن بیشتر باعث می‌شود تا اداره برق تلاش کند باعث زیان نشود و در جبران ضرر کمتر آنرا موجب به جبران خسارت می‌کند بلکه خسارت زدن به اموال را از ابتدا محدود می‌کند و نفس ضرر رساندن به دیگران را مخرب دانسته و از آن نهی می‌کند، لذا این قاعده موجب اثبات نمی‌شود.

۴. مسئولیت دولت و خسارت ناشی از شبکه برق با در نظر گرفتن رویکرد قرآنی

مسئولیت به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق مدنی و فقه اسلامی، به معنای تعهد به جبران خسارت‌های وارد شده است. این مسئولیت در فقه اسلامی به "ضمان" تعبیر می‌شود و به معنای تعهد به جبران هر نوع خسارت، اعم از مالی یا جسمانی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵). در قرآن کریم، به‌ویژه در آیات مختلف، اصل عدالت و لزوم جبران خسارت بر اساس ضرر وارد شده بر فرد یا جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، آیه ۸ سوره تکویر که به ماجرای زنده به گور کردن دختران اشاره دارد، از منظر تفسیر راغب اصفهانی، مسئولیت اجتماعی و فردی را مطرح می‌کند که به نوعی به جبران خسارت‌های اجتماعی و فردی در سطح گسترده‌تر اشاره دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲).

در زمینه جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های دولت، مانند آسیب‌های وارد شده از سیستم برق‌رسانی، مبانی فقهی و حقوقی به‌طور همزمان اعمال می‌شوند. در این زمینه، مسئولیت دولت به‌عنوان نهاد اجرایی که وظیفه حفظ عدالت و حقوق مردم را بر عهده دارد، در قرآن و سنت نبوی به وضوح بیان شده است. به‌ویژه، آیات قرآن بر ضرورت جبران خسارت‌ها و بازگرداندن حقوق آسیب‌دیدگان تأکید دارند. به عنوان نمونه، در آیه "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ بِالْعَدْلِ" (نساء: ۵۸) عدالت به‌عنوان یک اصل اساسی در جبران خسارات مطرح می‌شود که می‌تواند به عنوان مبنای اجرایی برای دولت‌ها در قبال خسارت‌های وارد

شده از سوی دستگاه‌های دولتی همچون شبکه برق در نظر گرفته شود.

در نظام حقوقی ایران نیز، قوانین مدنی مانند ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های مختلف، دولت را موظف به جبران خسارت‌های وارد شده به افراد می‌کند. این مسئولیت در مواقعی که خرابی تجهیزات برقی یا نوسانات برق باعث آسیب به افراد و اموال آن‌ها شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. لذا، مسئولیت مدنی دولت در این زمینه به‌طور فقهی و قانونی بر پایه اصول عدالت و انصاف، و نیز با توجه به حقوق فردی آسیب‌دیده، باید پذیرفته شود و برای جبران خسارت‌ها به منابع عمومی متکی باشد.

نکته‌ای که در فقه اسلامی و عرفان اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که جبران خسارت به‌طور محدود به بازگشت اموال و پرداخت دیه یا غرامت مالی نمی‌شود، بلکه باید ابعاد معنوی و روحی فرد آسیب‌دیده نیز در نظر گرفته شود. به‌ویژه در مواردی که خسارت‌ها به حیثیت و شخصیت معنوی افراد وارد می‌شود، جبران این نوع خسارت‌ها نیز در قالب "ارش" و به صورت معنوی لازم است. در قرآن کریم و روایات نبوی، این نکته با تأکید بر حفظ کرامت انسانی و توجه به جنبه‌های اخلاقی جبران خسارت‌ها مطرح شده است. از این رو، جبران خسارت در اسلام فقط به جنبه‌های مادی محدود نمی‌شود، بلکه به بازسازی تعادل معنوی و روحی فرد آسیب‌دیده نیز توجه دارد.

در نهایت، همانطور که در فقه اسلامی مسئولیت دولت در قبال خسارات ناشی از خدمات عمومی و اساسی مانند برق‌رسانی پذیرفته شده است، این مسئولیت به‌ویژه در مواقعی که نقص در سیستم‌های فنی مانند شبکه برق منجر به آسیب‌های جانی یا مالی به افراد می‌شود، باید بر اساس اصول قرآنی و فقهی که عدالت و انصاف را محور قرار می‌دهند، جبران شود. این رویکرد، علاوه بر رعایت حقوق فردی، به‌طور معنوی و اخلاقی می‌تواند به تعادل اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی به دولت منجر شود.

نتیجه گیری

در دنیای امروز، شبکه‌های برق به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های جوامع بشری شناخته می‌شوند که اهمیت بسیاری در رفاه، توسعه و پیشرفت جوامع دارند. با این حال، آسیب‌های ناشی از نقص در این شبکه‌ها می‌تواند خسارات گسترده‌ای، هم در سطح مادی و هم در سطح معنوی به همراه داشته باشد. این مقاله با رویکردی تطبیقی به بررسی جبران خسارات ناشی از آسیب‌های شبکه‌های برق از منظر تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها پرداخته و بر لزوم جبران خسارات نه تنها در بعد مادی، بلکه در ابعاد معنوی و اخلاقی تأکید دارد. در تمدن اسلامی، جبران خسارت‌ها بر اساس اصول قرآنی و عرفانی پی‌ریزی شده است. قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی، ضمن تأکید بر عدالت و انصاف، به مسئولیت‌های اخلاقی و معنوی انسان در قبال جبران خسارات پرداخته‌اند. این رویکرد با تأسیس به آموزه‌هایی چون «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» و تأکید بر احسان و عدالت الهی، جبران خسارت‌ها را به‌عنوان یک فرآیند جامع و عمیق‌تر از ابعاد مادی معرفی می‌کند. جبران خسارت در این رویکرد، نه تنها به رفع ضرر مالی، بلکه به بازسازی تعادل معنوی فرد و جامعه و حفظ کرامت انسانی نیز توجه دارد. در سایر تمدن‌ها، جبران خسارت بیشتر بر پایه قوانین دنیوی و عرفی استوار است و دولت‌ها عمدتاً از منظر حقوقی و مدنی به این مسئله پرداخته‌اند. اما آنچه تمدن اسلامی را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کند، تأکید ویژه بر بُعد معنوی و مسئولیت اجتماعی در کنار عدالت است که در دیدگاه قرآنی و عرفانی نقشی اساسی دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که مبانی قرآنی و عرفانی تمدن اسلامی می‌تواند الگویی جامع و الهی برای جبران خسارات ناشی از آسیب‌های زیرساختی، از جمله شبکه برق، ارائه دهد. این رویکرد نه تنها به عدالت و احسان توجه دارد، بلکه با تأکید بر مسئولیت معنوی انسان در قبال دیگران و در راستای حفظ امانت‌های الهی، می‌تواند به بهبود فرآیند جبران خسارت‌ها در جوامع معاصر کمک کند. در نهایت، با بهره‌گیری از این چارچوب معنوی و اخلاقی در جبران خسارت‌ها، امکان دستیابی به جامعه‌ای امن، سالم و عدالت‌محور فراهم می‌شود که در آن حقوق مادی و معنوی افراد به‌طور کامل مورد

توجه قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند الهام‌بخش نظام‌های حقوقی سایر تمدن‌ها برای بهبود فرآیندهای جبران خسارت‌ها و تحقق عدالت اجتماعی در عصر حاضر باشد.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به یافته‌ها و نتایج این تحقیق، می‌توان پیشنهادهای ارائه داد که به شکلی ریشه‌ای‌تر و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و عرفانی، به جبران خسارت‌های ناشی از نوسانات برق پرداخته شود. قرآن کریم بر لزوم رعایت عدالت و حقوق مردم تأکید دارد: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ" (نحل: ۹۰)، و همچنین در عرفان اسلامی، توجه به حقوق انسان‌ها و ایجاد توازن در زندگی مادی و معنوی از اصول مهم به شمار می‌آید. بر این اساس، هر گونه کوتاهی در جبران خسارت نه تنها نقض حقوق مادی افراد است، بلکه از دیدگاه عرفانی، باعث اختلال در جریان عدل الهی و بی‌نظمی در نظام اخلاقی جامعه می‌شود.

پیشنهادهای برای قانون‌گذاران و ادارات برق: به قانون‌گذاران و مسئولان ادارات برق پیشنهاد می‌شود که با الهام از مفاهیم قرآنی مانند حفظ حق و انصاف، سازوکارهایی طراحی کنند که جبران خسارت‌های ناشی از نوسانات برق به سرعت و با شفافیت کامل انجام گیرد. این فرآیند باید بر اساس آموزه‌های دینی که بر عدالت و رضایت الهی تأکید دارد، صورت پذیرد. قرآن به صراحت می‌فرماید: "وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ" (اعراف: ۸۵) یعنی حقوق مردم را کم نگذارید؛ بنابراین ادارات برق باید به گونه‌ای عمل کنند که حقوق افراد حقیقی و حقوقی در هیچ حالتی نادیده گرفته نشود.

پیشنهادهای برای قضات دادگستری: به قضات دادگستری توصیه می‌شود که بر اساس اصول عدالت‌محور قرآن و روح عرفانی انصاف، پرونده‌های مرتبط با خسارت‌های برق را بررسی نمایند. قضاوت در دین اسلام وظیفه‌ای سنگین و الهی است که هدف آن تحقق عدالت در دنیا و رسیدن به رضای الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: "إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ" (نساء: ۵۸)، یعنی وقتی میان مردم داوری می‌کنید، به عدل داوری کنید. از این رو، هر قاضی باید با الهام از این آیات و استفاده از منابع عرفانی، به گونه‌ای حکم دهد که عدالت الهی در زمین برقرار شود و هیچ گونه بی‌عدالتی رخ ندهد.

پیشنهادهای برای افراد حقیقی و حقوقی: به افراد حقیقی و حقوقی توصیه می‌شود که در انجام امور مادی خود از ابزارهای پیشگیرانه مانند نصب فیوزهای باکیفیت و نوسان‌گیر استفاده کنند. از منظر قرآنی، احتیاط در انجام کارها و پیشگیری از مشکلات، هم‌راستا با حکم عقل و شرع است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ" (نساء: ۷۱). این توصیه به معنای آماده‌سازی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه است تا در صورت بروز خسارت، حقوق افراد ضایع نشود. همچنین، در صورت بروز خسارت، می‌بایست با اتکا به قوانین فقهی و عرفانی اسلامی، دادخواست خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که حقوق آنان به عدالت بازگردانده شود.

پیشنهادهای برای نظام حقوقی و دادگستری‌ها: به نظام حقوقی و دادگستری‌ها توصیه می‌شود که با استفاده از منابع قرآنی و احکام فقهی مرتبط با حقوق اجتماعی، به گونه‌ای عمل کنند که حق هیچ‌کس ضایع نشود. همچنین در جلسات دفاعیه، به صورت اصولی و جامع، از مستندات و شواهد حقوقی دقیق استفاده کنند تا عدالت به بهترین نحو برقرار گردد. از منظر عرفانی، هرگونه کوتاهی در این زمینه به تزلزل در نظام اخلاقی و معنوی جامعه منجر می‌شود و عدم رعایت عدالت، از بین بردن تعادل الهی در زندگی اجتماعی خواهد بود.

استفاده از ظرفیت‌های فقهی و عرفانی تمدن اسلامی: با بهره‌گیری از تعالیم قرآنی و عرفانی تمدن اسلامی، که بر ایجاد توازن بین حق و عدالت در تمام ابعاد زندگی تأکید دارد، می‌توان به راه‌حل‌هایی مؤثرتر و کارآمدتر برای جبران خسارت‌های ناشی از نوسانات برق دست یافت. این ظرفیت‌های معنوی و حقوقی می‌توانند الهام‌بخش نظام‌های حقوقی مدرن باشند و الگویی جامع برای تحقق عدالت اجتماعی ارائه دهند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین. (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق) لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم.
۵. آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم. (۱۴۰۶ ق) حاشیه المکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۶. آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم. (۱۴۰۹ق) کفآیه الاصول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۷. آخوندی، محمود. (۱۳۸۵ش). آیین دادرسی کیفری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.
۸. اصفهانی، فتح الله. (۱۴۱۰ق). قاعدة لا ضرر (لشیخ الشریعة)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۹. امامی، سید حسن، بی تا، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اول.
۱۰. امیران بخشایش، عیسی، و باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۳). مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه. مجلس و راهبرد، ۲۱(۸۰)، ۱۶۹-۱۹۳.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (بی تا)، فرائد الاصول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.

۱۳. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم، چاپ اول.
۱۴. تقی زاده، ابراهیم و احمد علی هاشمی. (۱۳۹۱ش) مسئولیت مدنی، دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ اول.
۱۵. توحیدی، محمد علی. (۱۳۷۱ش). مصباح الفقاهه، تقریر بحث سید ابوالقاسم خویی، انتشارات وجدانی، قم، چاپ سوم.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵ش). ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ شانزدهم.
۱۷. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۵ق). کتاب الصلوه (تقریر ابحات الحاج سید محمد محقق داماد)، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۹. حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۸۷ش). قواعد فقه جزایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.
۲۰. حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۸۰). روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی. دانشور پزشکی، ۹ (۳۶)، ۶۳-۷۲.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول.
۲۲. حسینی مراغی، میر عبد الفتاح، بی تا، عناوین الاصول، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۲۳. خدابخشی، حسن، آیتی، سید محمد رضا و عریبان، اصغر. (۱۳۹۸). بازشناسی مفهومی ضمان و اقسام آن در فقه اسلامی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۲، ۲ (۲۴)، ۹-۴۰.
۲۴. خوانساری، احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۲۵. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکمله المنهاج، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، قم، چاپ اول.
۲۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۹ق) القواعد الفقهیه والاجتهاد و التقليد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم، چاپ اول.

۲۷. رستمی نجف آبادی، حامد، ناصر، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی و طرق جبران آن در پرتو آرای فقهی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۳)، ۷۳-۴۹.
۲۸. رنجبر صحرایی، مسعود رضا. (۱۳۸۸). ارش (حق تقلیل ثمن) و ارتباط آن با جبران خسارت. مجله تحقیقات حقوقی، (۱ ویژه نامه)، ۳۹۵-۴۴۶.
۲۹. سرتیپ زاده، رحمت اله، و غفاری، مجتبی. (۱۳۹۷). ارکان و شرایط مسوولیت مدنی دولت برای جبران خسارت. کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
۳۰. سرتیپ زاده، رحمت اله، و غفاری، مجتبی. (۱۳۹۷). مبانی فقهی و اسلامی مسئولیت مدنی دولت (جبران خسارت) در حقوق ایران. کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
۳۱. سلیمان پور، علی، و ایروانی، امید. (۱۳۹۹). جبران خسارت فارغ از قصور. مجله علمی پزشکی قانونی، ۲۶ (۳ مسلسل ۹۴)، ۱۸۳-۱۸۴.
۳۲. صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ ق) المحيط فی اللغة، عالم الکتاب، بیروت، چاپ اول.
۳۳. صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۳۴. صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی. (۱۳۸۹ ش). مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۳۵. طاهری، حبیب الله. (۱۴۱۸ ق) حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۳۶. طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۳۷. طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه دار العلم، قم.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۳۰ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه تاریخ عربی، بیروت.
۳۹. عامر، حسین. (۱۳۷۶ ش). المسئولیه المدنیة التقصیریة و العقدیة، شرکه المساهمه، مصر، چاپ اول.

۴۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). *نهایة الاحکام فی معرفة الأحکام*، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، چاپ اول.
۴۱. عمید، حسن. (۱۳۶۴ ش) *فرهنگ عمید*، امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
۴۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ ق). *القواعد الفقهیه*، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.
۴۳. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، بی‌تا، *کنز‌العرفان فی فقه القرآن*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، پاساژ قدس، قم، چاپ اول.
۴۴. قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷ ش). *الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.
۴۵. قرآن کریم (ترجمه حضرات آیت ناصر مکارم شیرازی).
۴۶. قنوتی، جلیل، جاور، حسین، و صالحی کرهرودی، شاهرخ. (۱۳۹۳). *میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی خانواده*. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۶(۲)، ۱۲۵-۱۵۳.
۴۷. کاتوزیان، امیرناصر. (۱۳۷۴ ش). *ضمان قهری*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴۸. کرمی، مجید، مزیدی شرف‌آبادی، علی، نژندی منش، هبیت اله. (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی جبران ضرر در جنایات در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری*. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶(۲)، ۱۱۹-۱۵۴.
۴۹. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۵۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ ق). *قواعد فقه*. مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.
۵۱. محقق نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۳ ش). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*، المكتبة المحمدیة، تهران، چاپ اول.
۵۲. معین، محمد. (۱۳۶۴ ش). *فرهنگ فارسی*، امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸). *اخلاق در قرآن*، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۶۰.

۵۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق). القواعد الفقهیه، مدرسه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام، قم، چاپ سوم.
۵۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۴۰۱ ق). قواعد فقهیه، موسسه عروج، تهران، چاپ سوم.
۵۶. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۰ ق) الرسائل العشره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، چاپ اول.
۵۷. موسوی خمینی، سیدروح الله. (بی تا)، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم، چاپ اول.
۵۸. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ ق) البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ اول.
۵۹. میرنقی زاده، میرحیدر، و چراغی، علی. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت. قانون یار، ۲(۶)، ۷۹-۹۷.
۶۰. میرنقی زاده، میرحیدر، و چراغی، علی. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت. قانون یار، ۲(۶)، ۷۹-۹۷.
۶۱. نجفی فتاحی، صمد. (۱۳۸۳). جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران. خبرنامه کانون وکلا، - (۱۸۶).
۶۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ ق). عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۶۳. نظری توکلی، سعید، و نادری پارسا، معصومه. (۱۳۹۸). تحلیل فقهی حقوقی چگونگی جبران خسارت «نقص زیبایی» در جرائم منجر به سوختگی. فقه پزشکی، ۱۱(۳۸-۳۹)، ۳۳-۵۰.
۶۴. نظری، ایراندخت. (۱۳۹۲ ش). الزامهای بدون قرارداد، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۶۵. نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۶). نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی. الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، - (۷۷) ویژه فقه و حقوق اسلامی)، ۱۸۱-۲۱۵.
۶۶. نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۰). قاعده لاضرر و جبران خسارت معنوی به خانواده. مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی)، ۴(۷)، ۹-۲۴.
۶۷. نیکفرجام، زهره. (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق. مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)، ۶(۱۱)، ۱۰۵-۱۲۷.